

[تعارض روایت جنایت نابینا با صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد 1](#_Toc536567440)

[حل تعارض 2](#_Toc536567441)

[تعارض روایت معتبره‌ عبد الرحمن بن حجاج با صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد 2](#_Toc536567442)

[پاسخ از این روایت 3](#_Toc536567443)

**موضوع**: شرط پنجم: مقتول محقون الدم باشد /شروط قصاص /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در شرطی از شروط قصاص بود که مستفاد از بعضی روایات بود که مفادش این بود که در فرض شروع جنایت از یک طرف و وقوع جنایت از ناحیه‌ی شخص مقابل به عنوان عکس العمل عادیِ فعل شروع کننده هر چند این عکس العمل و واقع ساختن جنایت حرام است ولی قصاص را به همراه ندارد ولی دیه و تعزیر دارد. همینطور گفتیم تقیید روایت به بحث مماثل بودن جنایت و یا فرض دفاع هم موجبی ندارد. پس شرط جدیدی برای قصاص بیان کردیم ولو به احتیاط و آن هم اینکه مجنی علیه مسبوق به جنایت نباشد و اگر مسبوق به جنایت باشد و جنایتی که بر او واقع می شود عکس العمل طبیعی جنایت باشد، جانی قصاص نمی شود. بحث منتهی شد به تعارض بعضی از روایات با این دو روایت محل بحث.

# تعارض روایت جنایت نابینا با صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد

در مقام ممکن است ادعا شود که روایاتی وجود دارد که منافات با شرط مستفاد از صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد است که یکی از آنها روایتی است که در بحث جنایت شخص کور داشتیم که در آن آمده بود: «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ‌ ضَرَبَ رَأْسَ رَجُلٍ بِمِعْوَلٍ فَسَالَتْ عَيْنَاهُ عَلَى خَدَّيْهِ فَوَثَبَ الْمَضْرُوبُ عَلَى ضَارِبِهِ فَقَتَلَهُ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذَانِ مُعْتَدِيَانِ جَمِيعاً فَلَا أَرَى عَلَى الَّذِي قَتَلَ الرَّجُلَ قَوَداً لِأَنَّهُ قَتَلَهُ حِينَ قَتَلَهُ وَ هُوَ أَعْمَى وَ الْأَعْمَى جِنَايَتُهُ خَطَأٌ تَلْزَمُ عَاقِلَتَهُ يُؤْخَذُونَ بِهَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ فِي كُلِّ سَنَةٍ نَجْماً فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِلْأَعْمَى عَاقِلَةٌ لَزِمَتْهُ دِيَةُ مَا جَنَى فِي مَالِهِ يُؤْخَذُ بِهَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ وَ يَرْجِعُ الْأَعْمَى عَلَى وَرَثَةِ ضَارِبِهِ بِدِيَةِ عَيْنَيْهِ»[[1]](#footnote-1) در این روایت هم مقتول شروع کننده بوده که با کلنگ بر سر جانی زده و او را نابینا کرده و طرف مقابل هم در مقام انتقام او را کشته است که منطبق بر مسأله‌ی ما نحن فیه هست ولی حضرت نفرمودند که به خاطر اینکه مقتول شروع کننده بوده است قصاص نمی شود بلکه تعلیل کردند به اینکه «لِأَنَّهُ قَتَلَهُ حِينَ قَتَلَهُ وَ هُوَ أَعْمَى» و مفهوم این تعلیل این است که اگر نابینا نبود قصاص نمی شد.

## حل تعارض

اما جواب به این روایت این است که نابینا بودن سبب منحصره برای قصاص نیست و حضرت در اینجا فقط یکی از اسباب عدم قصاص را ذکر کرده اند و این منافات ندارد با اینکه سبب دیگری هم برای عدم قصاص موجود باشد مثل اینکه اگر فرزندی چنین کاری با پدرش می کرد یعنی او را با کلنگ می زود و بعد پدر هم در مقام انتقام ضربه ای به فرزند می زد و منجر به مرگ او می شد و حضرت علت عدم قصاص را کوری مطرح می کردند و اینکه قاتل پدر مقتول است را بیان نمی کردند در حالی که در اینجا سبب دیگری هم برای عدم قصاص هست و آن هم اینکه قاتل پدر مقتول است.

# تعارض روایت معتبره‌ عبد الرحمن بن حجاج با صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد

روایت دیگری که در مقام ممکن است به آن اشاره شود روایتی است که صحیح السند هم هست و آن روایت عبدالرحمن بن حجاج است که در آن آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يُخَالِفُ يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ قُضَاتَكُمْ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ هَاتِ شَيْئاً مِمَّا اخْتَلَفُوا فِيهِ قُلْتُ اقْتَتَلَ غُلَامَانِ فِي الرَّحَبَةِ فَعَضَّ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَعَمَدَ الْمَعْضُوضُ إِلَى حَجَرٍ فَضَرَبَ بِهِ رَأْسَ صَاحِبِهِ الَّذِي عَضَّهُ فَشَجَّهُ فَكُزَّ فَمَاتَ فَرُفِعَ ذَلِكَ إِلَى يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ فَأَقَادَهُ فَعَظُمَ ذَلِكَ عَلَى ابْنِ أَبِي لَيْلَى وَ ابْنِ شُبْرُمَةَ وَ كَثُرَ فِيهِ الْكَلَامُ وَ قَالُوا إِنَّمَا هَذَا الْخَطَأُ فَوَدَاهُ‌ عِيسَى بْنُ عَلِيٍّ مِنْ مَالِهِ قَالَ فَقَالَ إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا لَيُقِيدُونَ بِالْوَكْزَةِ وَ إِنَّمَا الْخَطَأُ أَنْ يُرِيدَ الشَّيْ‌ءَ فَيُصِيبَ غَيْرَهُ‌«[[2]](#footnote-2) حاصل قضیه این است که دو نوجوان با هم درگیر می شوند و در حد کشتن با هم نزاع می کنند در اثنای درگیری یکی از آنها دیگری را به شدت با دندان گاز می گیرد و شخص مقابل سنگی برداشته و بر سر او می زند که منجر به قتل او می شود. در این جریان با اینکه عکس العمل گاز گرفتن این بوده که با سنگ او را زده است ولی حضرت حکم به قصاص می کند، در حالی که طبق صحیحه حلبی و صحیحه سلیمان بن خالد نباید حکم به قصاص شود.

## پاسخ از این روایت

این روایت هم نمی تواند به عنوان معارض ذکر شود به دلیل اینکه این گاز گرفتگی شروع دعوا نبوده و در صدر روایت می گوید قبل از این گاز گرفتن درگیری رخ داده است و بحث ما جایی بود که مقتول شروع کننده باشد و ما هم در اثناء دعوا قائل به عدم قصاص نیستیم در نتیجه ادعای ما تمام است و معارضی هم در روایات محل بحث ( صحیحه حلبی و صحیحه سلیمان بن خالد ) نداریم.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص232.](http://lib.eshia.ir/10083/10/232/الحلبي%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص278.](http://lib.eshia.ir/11005/7/278/فَشَجَّهُ%20) [↑](#footnote-ref-2)